
بسم الله الرحمن الرحیم

قرارگاه فرهنگی اجتماعی تقویت الائمه الاطهار علیهم‌السلام

معاونت راهبردی جبهه‌سازی

حرکت دوم؛

متن بیانیه گام دوم به همراه سخنرانی یکم خرداد سال ۱۳۹۸ امام خامنه‌ای دام‌ظله

تابستان ۱۴۰۳

قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ

بگو که من به یک سخن شما را پند می‌دهم و آن سخن این است که شما خالص برای خدا دو نفر دو نفر [گروهی] با هم یا هر یک تنها قیام کنید

سوره مبارکه سبأ، آیه شریفه ۴۶

وقتی شما در مورد یک عنوانی از این عناوینِ مهمّ اساسیِ انقلاب به یک نتیجه‌ای رسیدید، این را باید تبدیل بکنید به گفتمان... باید جزو واضحات و بیّناتِ فکریِ مردم بشود. باید این قدر این گفته بشود، استدلال بشود، تبیین بشود، تکرار بشود که به صورت یک گفتمانِ قطعی دربیاید.

مقام معظم رهبری ﷺ (۱۳۹۶/۰۶/۳۰)

مقدمه

هر روزی که از صدور بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در بهمن‌ماه سال ۱۳۹۷ می‌گذرد، فضای عمومی جامعه و انقلاب اسلامی در سطح منطقه و جهان دچار تحولاتی شده که نشان از آغاز دوران نو و تازه‌ای می‌دهد. ایامی که نوید بخش ورود به «**فرایند بزرگ و جهانیِ چهل سال دوّم انقلاب**[۱]» است و همزمان هشداری جدی برای جوان متعهد انقلابی است که از عمل به فرمان امام جامعه ﷺ جا نماند.

توضیح و تبیین گزاره‌های بیانیه گام دوم در سخنرانی‌های متعدد رهبر انقلاب ﷺ بیان شده اما شرح معظم‌له بر بیانیه، ۳ ماه بعد از صدور آن (یعنی تاریخ ۱۳۹۸/۳/۱)، شامل سرفصل‌های یک برنامه راهبردی و عملیاتی دقیق نسبت به «عنصر اراده‌ی ملّی که جان‌مایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است[۲]» بود. به نظر می‌رسد تبیین ویژه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ﷺ از بیانیه گام دوم در این سخنرانی، از بیانات کمتر دیده شده ایشان بوده که چراغ راهی برای درک روشن‌تر از مأموریت و عظمت نقش آفرینی جوانان متعهد انقلابی در گام دوم انقلاب است.

متن پیش‌رو شامل بیانیه گام دوم انقلاب و سخنرانی یکم خرداد سال ۱۳۹۸ در جمع دانشجویان بوده که با هدف مطالعه دقیق‌تر این دو سند مهم در کنار هم آمده است تا به عنوان چراغ راه و منشوری در دسترس افراد باشد.

امید است بتوانیم در هر برهه از زمان با شناخت صحنه‌ی کشور و انقلاب بزرگ اسلامی، عامل به وظیفه و مسئولیت خطیر خود در گام دوم باشیم.

---

۱ امام خامنه‌ای ﷺ. بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران. ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

۲ همان





بیانیه

متن بیانیه «گام دوم انقلاب»
خطاب به ملت ایران

۲۲ بهمن ماه ۱۳۹۷

بسم الله الرّحمن الرّحیم
الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا محمّد و آله الطّاهرین و صحبه المنتجبین و من تبعهم باحسان الی یوم الدّین.

ورود انقلاب اسلامی به دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی

از میان همه‌ی ملّت‌های زیر ستم، کمتر ملّتی به انقلاب همّت می‌گمارد؛ و در میان ملّت‌هایی که به‌پاخاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به جز تغییر حکومت‌ها، آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده باشند. امّا انقلاب پُرشکوه ملّت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چلّه‌ی پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه‌ی وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر میرسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و **اینک وارد دوّمین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدّن‌سازی شده است. درودی از اعماق دل بر این ملّت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که اینک وارد فرایند بزرگ و جهانیِ چهل سال دوّم می‌شود.**

پیروزی انقلاب اسلامی؛ آغازگر عصر جدید عالم

آن روز که جهان میان شرق و غرب مادّی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌بُرد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و **آغاز عصر جدیدی** را اعلام نمود. طبیعی بود که سردمداران گمراهی

و ستم واکنش نشان دهند، امّا این واکنش ناکام ماند. چپ و راستِ مدرنیته، از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه کردن آن، هرچه کردند به اجلِ محتوم خود نزدیک‌تر شدند.
اکنون با گذشت چهل جشن سالانه‌ی انقلاب و چهل دهه‌ی فجر، یکی از آن دو کانون دشمنی نابود شده و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار می‌دهند، دست‌وپنجه نرم می‌کند! و انقلاب اسلامی با حفظ و پایبندی به شعارهای خود همچنان به پیش می‌رود.

شعارهای جهانی، فطری، درخشان و همیشه‌زنده‌ی انقلاب اسلامی

برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، امّا شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آنها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه‌ی عصرها با آن سرشته است. **آزادی، اخلاق، معنویّت، عدالت، استقلال، عزّت، عقلانیّت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصوّر کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی‌گردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقّق آنها.**

دفاع ابدی از نظریه‌ی نظام انقلابی

انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بااراده، همواره دارای انعطاف و آماده‌ی تصحیح خطاهای خویش است، امّا تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حسّاسیّت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف‌های

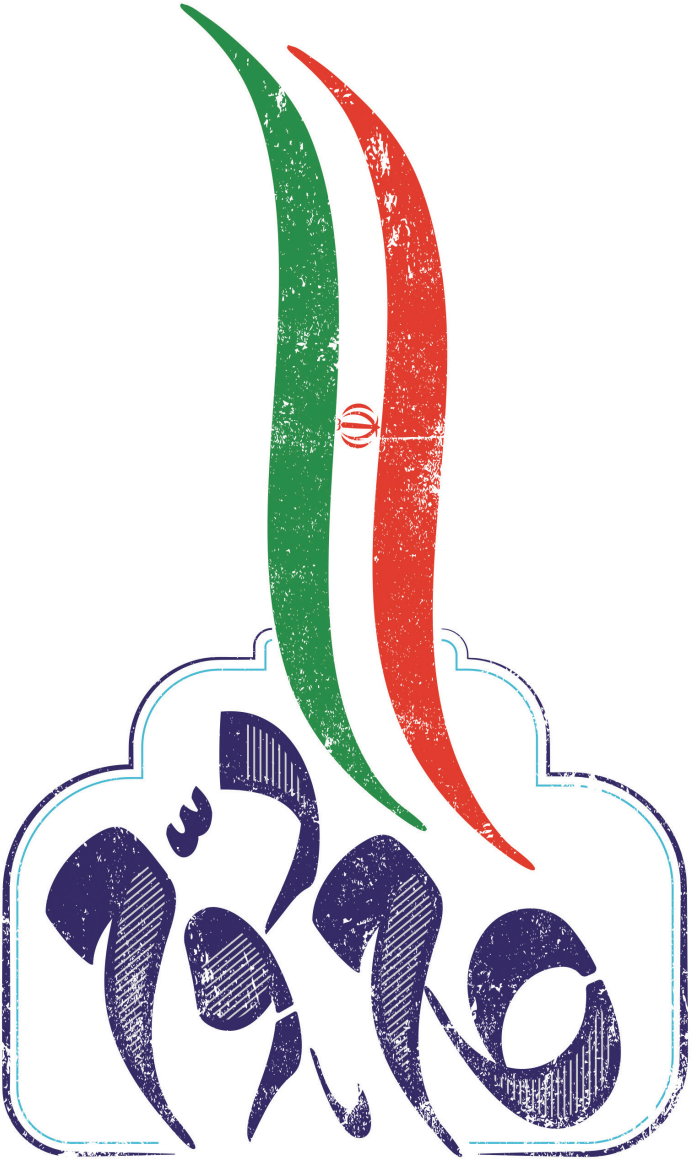
بی‌عمل میشمارد، امّا به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریّه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند.

جمهوری اسلامی و فاصله‌ی میان بایدها و واقعیتها

جمهوری اسلامی، متحجّر و در برابر پدیده‌ها و موقعیّت‌های نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست، امّا به اصول خود بشدّت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان بشدّت حسّاس است. با خطوط اصلی خود هرگز بی‌مبالاتی نمی‌کند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند. **بی‌شک فاصله‌ی میان بایدها و واقعیّت‌ها، همواره وجدان‌های آرمان‌خواه را عذاب داده و می‌دهد، امّا این، فاصله‌ای طی‌شدنی است و در چهل سال گذشته در مواردی بارها طی شده است و بی‌شک در آینده، با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پُرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد.**

انقلاب اسلامی؛ مایه‌ی سربلندی ایران و ایرانی

انقلاب اسلامی ملّت ایران، قدرتمند امّا مهربان و باگذشت و حتّی مظلوم بوده است. مرتکب افراط‌ها و چپ‌روی‌هایی که مایه‌ی ننگ بسیاری از قیام‌ها و جنبش‌ها است، نشده است. در هیچ معرکه‌ای حتّی با آمریکا و صدّام، گلوله‌ی اوّل را شلّیک نکرده و در همه‌ی موارد، پس از حمله‌ی دشمن از خود دفاع کرده و البتّه ضربت متقابل را محکم فرود آورده است. این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردّد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و


۲۲ بهمن

از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوانمردی و مروّت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه ی عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه ی سربلندی ایران و ایرانی است، و همواره چنین باد.

برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت

اینک در آغاز فصل جدیدی از زندگی جمهوری اسلامی، این بنده ی ناچیز مایلم با جوانان عزیزم، نسلی که پا به میدان عمل می‌گذارد تا بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ را آغاز کند، سخن بگویم. سخن اوّل درباره ی گذشته است.

عزیزان! نادانسته‌ها را جز با تجربه ی خود یا گوش سپردن به تجربه ی دیگران نمی‌توان دانست. بسیاری از آنچه را ما دیده و آزموده‌ایم، نسل شما هنوز نیازموده و ندیده است. ما دیده‌ایم و شما خواهید دید. **دهه‌های آینده دهه‌های شما است و شمایید که باید کارآزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدّن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمیٰ (ارواحنافداه) است، نزدیک کنید.**

برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت؛ اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. دشمنان انقلاب با انگیزه‌ای قوی، تحریف و دروغ‌پردازی درباره ی گذشته و حتّی زمان حال را دنبال می‌کنند و از پول و همه ی ابزارها برای آن بهره می‌گیرند. رهزنان فکر و عقیده و آگاهی بسیارند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده‌نظامش نمی‌توان شنید.

آغاز انقلاب و نظام اسلامی از نقطه‌ی صفر

انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از نقطه‌ی صفر آغاز شد؛ **اوّلاً**: همه چیز علیه ما بود، چه رژیم فاسد طاغوت که علاوه بر وابستگی و فساد و استبداد و کودتایی بودن، اوّلین رژیم سلطنتی در ایران بود که به دست بیگانه - و نه به زور شمشیر خود- بر سرِ کار آمده بود، و چه دولت آمریکا و برخی دیگر از دولت‌های غربی، و چه وضع بشدّت نابسامان داخلی و عقب‌افتادگی شرم‌آور در علم و فنّاوری و سیاست و معنویّت و هر فضیلت دیگر.

ثانیاً: هیچ تجربه‌ی پیشینی و راه طی‌شده‌ای در برابر ما وجود نداشت. بدیهی است که قیام‌های مارکسیستی و امثال آن نمی‌توانست برای انقلابی که از متن ایمان و معرفت اسلامی پدید آمده است، الگو محسوب شود. انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه آغاز کردند و ترکیب جمهوریّت و اسلامیّت و ابزارهای تشکیل و پیشرفت آن، جز با هدایت الهی و قلب نورانی و اندیشه‌ی بزرگ امام خمینی ﷺ، به دست نیامد. و این نخستین درخشش انقلاب بود.

تقابل دوگانه‌ی جدید «اسلام و استکبار»؛ پدیده‌ی برجسته‌ی جهان معاصر

پس آنگاه انقلاب ملّت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه‌قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطبهای جدید قدرت، تقابل دوگانه‌ی جدید «اسلام و استکبار» پدیده‌ی برجسته‌ی جهان معاصر و کانون توجّه جهانیان شد. از سویی نگاه امیدوارانه‌ی ملّت‌های زیر ستم و جریان‌های آزادی‌خواه جهان و برخی دولت‌های مایل به استقلال، و از سویی نگاه کینه‌ورزانه و بدخواهانه‌ی رژیم‌های زورگو و قلدرهای باج‌طلب عالم، بدان دوخته شد. بدین‌گونه مسیر جهان تغییر یافت و زلزله‌ی انقلاب، فرعونهای در بسترِ راحت آرمیده را بیدار

کرد؛ دشمنی‌ها با همه‌ی شدّت آغاز شد و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه‌ی این ملّت و رهبری آسمانی و تأییدشده‌ی امام عظیم‌الشّأن ما ﷺ، تاب آوردن در برابر آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خباثت، امکان‌پذیر نمی‌شد.

مدیریت جهادی و اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم»؛ عامل عزت و پیشرفت ایران در همه‌ی عرصه‌ها

به‌رغم همه‌ی این مشکلات طاقت‌فرسا، جمهوری اسلامی روزبه‌روز گام‌های بلندتر و استوارتری به جلو برداشت. این چهل سال، شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفت‌های شگفت‌آور در ایران اسلامی است. عظمت پیشرفت‌های چهل‌ساله‌ی ملّت ایران آنگاه بدرستی دیده می‌شود که این مدّت، با مدّت‌های مشابه در انقلاب‌های بزرگی همچون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر شوروی و انقلاب هند مقایسه شود. مدیریّت‌های جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم» که امام بزرگوار به همه‌ی ما آموخت، ایران را به عزّت و پیشرفت در همه‌ی عرصه‌ها رسانید.


ما توازن

برکات بزرگ انقلاب اسلامی

انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار بشدّت تحقیر شده و بشدّت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و **عنصر اراده‌ی ملّی را که جان‌مایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریّت کشور وارد کرد؛ آنگاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه‌ی مدیریّت کرد؛ روحیه و باور «ما می‌توانیم» را به همگان منتقل کرد**؛ به برکت تحریم دشمنان، اتّکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد:

یک) ثبات و امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران

اوّلاً: ثبات و امنیّت کشور و تمامیّت ارضی و حفاظت از مرزها را که آماج تهدید جدّی دشمنان قرار گرفته بود ضمانت کرد و معجزه‌ی پیروزی در جنگ هشت ساله و شکست رژیم بعثی و پشتیبانان آمریکایی و اروپایی و شرقی‌اش را پدید آورد.

دو) موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فنّاوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی

ثانیاً: موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فنّاوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی شد که تا اکنون ثمرات بالنده‌ی آن روزبه‌روز فراگیرتر می‌شود. هزاران شرکت دانش‌بنیان، هزاران طرح زیرساختی و ضروری برای کشور در حوزه‌های عمران و حمل‌ونقل و صنعت و نیرو و معدن و سلامت و کشاورزی و آب و غیره، میلیون‌ها تحصیل‌کرده‌ی دانشگاهی یا در حال تحصیل، هزاران واحد دانشگاهی در سراسر کشور، ده‌ها طرح بزرگ از قبیل چرخه‌ی سوخت هسته‌ای، سلّول‌های بنیادی، فنّاوری نانو، زیست‌فنّاوری و غیره با رتبه‌های نخستین در کلّ جهان، شصت برابر شدن صادرات غیرنفتی، نزدیک به ده برابر شدن واحدهای صنعتی، ده‌ها برابر شدن صنایع از نظر کیفی، تبدیل صنعت مونتاژ به فنّاوری بومی، برجستگی محسوس در رشته‌های گوناگون مهندسی از جمله در صنایع دفاعی، درخشش در رشته‌های مهم و حسّاس پزشکی و جایگاه مرجعیّت در آن و ده‌ها نمونه‌ی دیگر از پیشرفت، محصول آن روحیه و آن حضور و آن احساس جمعی است که انقلاب برای کشور به ارمغان آورد. ایرانِ پیش از انقلاب، در تولید علم و فنّاوری صفر بود، در صنعت به جز مونتاژ و در علم به جز ترجمه هنری نداشت.

سه) به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه‌ی خدمت‌رسانی

ثالثاً: مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملّی و استکبارستیزی به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک‌رسانی‌ها و فعّالیّت‌های نیکوکاری که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشمگیر داد. پس از انقلاب، مردم در مسابقه‌ی خدمت‌رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی مشتاقانه شرکت می‌کنند.

چهار) ارتقاء شگفت‌آور بینش سیاسی آحاد مردم

رابعاً: بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی را به گونه‌ی شگفت‌آوری ارتقاء داد. تحلیل سیاسی و فهم مسائل بین‌المللی در موضوعاتی همچون جنایات غرب بخصوص آمریکا، مسئله‌ی فلسطین و ظلم تاریخی به ملّت آن، مسئله‌ی جنگ‌افروزی‌ها و رذالت‌ها و دخالت‌های قدرت‌های قلدر در امور ملّت‌ها و امثال آن را از انحصار طبقه‌ی محدود و عزلت‌گزیده‌ای به نام روشنفکر، بیرون آورد؛ این‌گونه، روشنفکری میان عموم مردم در همه‌ی کشور و همه‌ی ساحت‌های زندگی جاری شد و مسائلی از این دست حتّی برای نوجوانان و نونهالان، روشن و قابل فهم گشت.

پنج) سنگین کردن کفه‌ی عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور

خامساً: کفّه‌ی عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد. نارضایتی این حقیر از کارکرد عدالت در کشور به دلیل آنکه این ارزش والا باید گوهر بی‌همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست، نباید به این معنی گرفته شود که برای استقرار عدالت کار انجام نگرفته است. واقعیّت آن است که دستاوردهای مبارزه

با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره‌ی دیگر گذشته قابل مقایسه نیست. در رژیم طاغوت بیشترین خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از پایتخت‌نشینان یا همسانان آنان در برخی دیگر از نقاط کشور بود.
مردم بیشتر شهرها بویژه مناطق دوردست و روستاها در آخر فهرست و غالباً محروم از نیازهای اوّلیّه‌ی زیرساختی و خدمت‌رسانی بودند. جمهوری اسلامی در شمار موفّق‌ترین حاکمیّت‌های جهان در جابه‌جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه‌جای کشور، و از مناطق مرفّه‌نشین شهرها به مناطق پایین‌دست آن بوده است. آمار بزرگراه‌سازی و خانه‌سازی و ایجاد مراکز صنعتی و اصلاح امور کشاورزی و رساندن برق و آب و مراکز درمانی و واحدهای دانشگاهی و سد و نیروگاه و امثال آن به دورترین مناطق کشور، حقیقتاً افتخارآفرین است؛ بی‌شک این همه، نه در تبلیغات نارسای مسئولان انعکاس یافته و نه زبان بدخواهان خارجی و داخلی به آن اعتراف کرده است؛ ولی هست و حسنه‌ای برای مدیران جهادی و بااخلاص نزد خدا و خلق است.
البتّه عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از اینها است و چشم امید برای اجرای آن به شما جوان‌ها است که در ادامه بدان خواهم پرداخت.

شش) افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه

سادساً: عیار معنویّت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه بگونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده‌ی مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی ﷺ در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد؛ آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادّی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود. هرچند دست تطاول تبلیغات مروّج فساد و بی‌بندوباری

در طـول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سـخت زده و لجنـزاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسّـط و بخصوص جوانان کشـانده بود، ولی رویکرد دینـی و اخلاقـی در جمهوری اسـلامی، دل‌هـای مسـتعد و نورانـی بویـژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد.

مجاهدت‌های جوانان در میدان‌های سـخت از جمله دفاع مقـدّس، با ذکر و دعا و روحیه‌ی برادری و ایثار همراه شـد و ماجراهای صدر اسـلام را زنده و نمایان در برابر چشـم همه نهاد. پدران و مادران و همسـران با احسـاس وظیفه‌ی دینـی از عزیزان خود کـه به جبهه‌های گوناگـون جهاد می‌شـتافتند دل کندند و سـپس، آنگاه که با پیکر خون‌آلود یا جسـم آسـیب‌دیده‌ی آنان روبه‌رو شـدند، مصیبت را با شکر همراه کردند. مسـاجد و فضاهـای دینی رونقی بی‌سـابقه گرفت. صف نوبت بـرای اعتکاف از هزاران جوان و اسـتاد و دانشـجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهاد سازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. نماز و حـج و روزه‌داری و پیـاده‌روی زیارت و مراسـم گوناگون دینـی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه‌جا بویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روزبه‌روز بیشتر و باکیفیّت‌تر شده است.

و اینها همـه در دورانی اتّفاق افتاده که سـقوط اخلاقی روزافزون غـرب و پیروانش و تبلیغات پُرحجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزارهای فساد، اخلاق و معنویّت را در بخش‌های عمده‌ی عالم منزوی کرده اسـت؛ و این معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعّال و پیشرو است.

هفت) ایستادگی روزافزون در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان

سابعاً: نماد پُرابّهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان خوار و جنایت‌کار، روزبه‌روز برجسته‌تر شد. در تمام این چهل سال، تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته‌ی آن در مقابل دولت‌های متکبّر و مستکبر، خصوصیّت شناخته‌شده‌ی ایران و ایرانی بویژه جوانان این مرز و بوم به‌شمار میرفته است.

قدرت‌های انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست‌اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آنها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند. ملّت ایران در فضای حیات‌بخش انقلاب توانست نخست دست‌نشانده‌ی آمریکا و عنصر خائن به ملّت را از کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه‌ی دوباره‌ی قلدران جهانی بر کشور با قدرت و شدّت جلوگیری کند.



انقلاب چهل‌ساله و گام بزرگ دوم

جوانان عزیز! اینها بخشی محدود از سرفصل‌های عمده در سرگذشت چهل‌ساله‌ی انقلاب اسلامی است؛ انقلاب عظیم و پایدار و درخشانی که شما به توفیق الهی باید گام بزرگ دوّم را در پیشبرد آن بردارید.

محصول تلاش چهل ساله، اکنون برابر چشم ما است: کشور و ملّتی مستقل، آزاد، مقتدر، باعزّت، متدیّن، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه‌هایی گران‌بها، مطمئن و امیدوار، دارای تأثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفت‌های علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه‌های بالا در دانش‌ها و فنّاوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای و سلّول‌های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، سرآمد در انگیزه‌های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیّت جوان کارآمد، و بسی ویژگی‌های افتخارآمیز دیگر که همگی محصول انقلاب و نتیجه‌ی جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی است. و بدانید که اگر بی‌توجّهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل‌ساله نمی‌بود -که متأسّفانه بود و خسارت‌بار هم بود- بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمان‌های بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی‌داشت.

اقتدار انقلاب اسلامی و تغییر چالشها و شکست مستکبران

ایران مقتدر، امروز هم مانند آغاز انقلاب با چالش‌های مستکبران روبه‌رو است امّا با تفاوتی کاملاً معنی‌دار. اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمّال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه‌ی جاسوسی بود، امروز چالش بر سرِ حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه‌ی غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته‌ی حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است.

و اگر آن روز، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته‌ی ایرانی به نیروهای مقاومت است. و اگر آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند ایرانی خودفروخته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی و ملّت ایران فائق آید، امروز برای مقابله‌ی سیاسی و امنیّتی با جمهوری اسلامی، خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب می‌بیند و البتّه باز هم در رویارویی، شکست می‌خورد. ایران به برکت انقلاب، اکنون در جایگاهی متعالی و شایسته‌ی ملّت ایران در چشم جهانیان و عبورکرده از بسی گردنه‌های دشوار در مسائل اساسی خویش است.

جوانان؛ محور تحقق نظام پیشرفته‌ی اسلامی

امّا راه طی‌شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله‌ی این مسیر که به گمان زیاد، به دشواریِ گذشته‌ها نیست، **باید با همّت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود.** مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعّالان جوان، در همه‌ی

میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویّت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیّت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند.

نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی؛ مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور

نکته‌ی مهمّی که باید آینده‌سازان در نظر داشته باشند، این است که در کشوری زندگی می‌کنند که از نظر ظرفیّت‌های طبیعی و انسانی، کم‌نظیر است و بسیاری از این ظرفیّتها با غفلت دست‌اندرکاران تاکنون بی‌استفاده یا کم‌استفاده مانده است. **همّت‌های بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی، خواهند توانست آنها را فعّال و در پیشرفت مادّی و معنوی کشور به معنی واقعی جهش ایجاد کنند.**

مهم‌ترین ظرفیّت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیّت جوان زیر ۴۰ سال که بخش مهمّی از آن نتیجه‌ی موج جمعیّتی ایجادشده در دهه‌ی ۶۰ است، فرصت ارزشمندی برای کشور است. ۳۶ میلیون نفر در سنین میانه‌ی ۱۵ و ۴۰ سالگی، نزدیک به ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه‌ی دوّم جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی، انبوه جوانانی که با روحیه‌ی انقلابی رشد کرده و آماده‌ی تلاش جهادی برای کشورند، و جمع چشمگیر جوانان محقّق و اندیشمندی که به آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند؛ اینها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته‌ی مادّی با آن مقایسه نمی‌تواند شد.



فهرست طولانی فرصت‌های مادی کشور

به جز اینها، فرصت‌های مادّی کشور نیز فهرستی طولانی را تشکیل می‌دهد که مدیران کارآمد و پُرانگیزه و خردمند می‌توانند با فعّال کردن و بهره‌گیری از آن، درآمدهای ملّی را با جهشی نمایان افزایش داده و کشور را ثروتمند و بی‌نیاز و به معنی واقعی دارای اعتمادبه‌نفس کنند و مشکلات کنونی را برطرف نمایند.

ایران با دارا بودن یک درصد جمعیّت جهان، دارای ۷ درصد ذخایر معدنی جهان است: منابع عظیم زیرزمینی، موقعیت استثنائی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب، بازار بزرگ ملّی، بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیّت، سواحل دریایی طولانی، حاصلخیزی زمین با محصولات متنوّع کشاورزی و باغی، اقتصاد بزرگ و متنوّع، بخش‌هایی از ظرفیّت‌های کشور است؛ بسیاری از ظرفیّتها دست‌نخورده مانده است. گفته شده است که ایران از نظر ظرفیّت‌های استفاده‌نشده‌ی طبیعی و انسانی در رتبه‌ی اوّل جهان است. **بی‌شک شما جوانان مؤمن و پُرتلاش خواهید توانست این عیب بزرگ را برطرف کنید.**

دهه‌ی دوّم چشم‌انداز، باید زمان تمرکز بر بهره‌برداری از دستاوردهای گذشته و نیز ظرفیّت‌های استفاده‌نشده باشد و پیشرفت کشور از جمله در بخش تولید و اقتصاد ملّی ارتقاء یابد.

گام دوم و سرفصل‌ها و توصیه‌های اساسی
در پرتو امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده

اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه هایی می‌کنم. این سرفصل ها عبارتند از: علم و پژوهش، معنویّت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزّت ملّی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی.

امّا پیش از همه چیز، نخستین توصیه ی من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسیِ همه ی قفل ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متّکی به واقعیّت های عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام، امّا خود و همه را از نومیدی بیجا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر میدارم.

در طول این چهل سال -و اکنون مانند همیشه- سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعّال‌ترین برنامه های آن، مأیوس سازی مردم و حتّی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیّت ها، پنهان کردن جلوه های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسّنات بزرگ، برنامه ی همیشگی هزاران رسانه ی صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملّت ایران است؛ و البتّه دنباله های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره ی تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است.



نشـانه‌های امیدبخش -که به برخی از آنها اشـاره شـد- در برابر چشـم شـما اسـت. رویش‌های انقلاب بسی فراتر از ریزش‌ها است و دست‌ودل‌های امین و خدمتگزار، بمراتب بیشـتر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان اسـت. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانـی و ابتکارهای ایرانی، در بسـیاری از عرصه‌ها با چشـم تکریم و احترام می‌نگرد. قدر خود را بدانید و با قوّت خداداد، به سـوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید.

و امّا توصیه‌ها:

یک) علم و پژوهش

علم و پژوهش: دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزّت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی اسـت. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانسـت برای خود ثروت و نفـوذ و قدرت دویست سـاله فراهم کند و بـا وجود تهیدسـتی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، امّا مؤکّداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میـان خود اصرار می‌ورزیم. بحمدالله اسـتعداد علم و تحقیق در ملّت ما از متوسّـط جهان بالاتر است.

اکنون نزدیک به دو دهه اسـت که رستاخیز علمی در کشور آغاز شده و با سرعتی که برای ناظران جهانی غافلگیرکننده بود - یعنی یازده برابر شتاب رشد متوسّط علم در جهان - به پیش رفته اسـت. دسـتاوردهای دانش و فنّاوری ما در این مدّت که ما را به رتبه‌ی شـانزدهم در میان بیش از دویست کشور جهان رسانید و مایه‌ی شگفتی ناظران جهانی شد و در برخی از رشـته‌های حسّاس و نوپدید به رتبه‌های نخستین

ارتقـاء داد، همه‌وهمـه در حالـی اتّفاق افتاده که کشـور دچـار تحریم مالـی و تحریم علمی بوده است. ما با وجود شنا در جهت مخالف جریان دشمن‌ساز، به رکوردهای بزرگ دسـت یافته‌ایم و این نعمت بزرگی اسـت که به خاطر آن باید روز و شب خدا را سپاس گفت.

امّا آنچه من می‌خواهم بگویم این است که این راه طی‌شده، با همه‌ی اهمّیّتش فقط یک آغاز بوده اسـت و نه بیشـتر. ما هنوز از قلّه‌های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قلّه‌ها دست یابیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم. ما از این مرحله هنوز بسـیار عقبیم؛ ما از صفر شـروع کرده‌ایم. عقب‌ماندگی شرم‌آور علمی در دوران پهلوی‌ها و قاجارها در هنگامی که مسابقه‌ی علمی دنیا تازه شروع شـده بود، ضربه‌ی سـختی بر ما وارد کـرده و ما را از این کاروان شـتابان، فرسـنگ‌ها عقب نگه داشـته بود. ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می‌رویم ولی این شتاب باید سال‌ها با شدّت بالا ادامه یابد تا آن عقب‌افتادگی جبران شود. اینجانب همواره به دانشـگاه‌ها و دانشـگاهیان و مراکز پژوهـش و پژوهندگان، گـرم و قاطع و جدّی دراین‌باره تذکّر و هشدار و فراخوان داده‌ام، ولی اینک مطالبه‌ی عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیّت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید. سـنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شـهدای هسته‌ای نیز داده اسـت. به پاخیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما بشدّت بیمناک است ناکام سازید.



دو) معنویّت و اخلاق

معنویّت و اخلاق: معنویّت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکّل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیّات نیکو است. معنویّت و اخلاق، جهت دهنده‌ی همه‌ی حرکت‌ها و فعّالیّت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتّی با کمبودهای مادّی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتّی با برخورداری مادّی، جهنّم می‌آفریند. شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویّت، البتّه با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، امّا اوّلاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضدّ معنویّت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنّمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنّمی کنند.

ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضدّ معنویّت و ضدّ اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتّی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد. و این البتّه به معنی رفع مسئولیّت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دوره‌ی پیش‌رو باید در این باره‌ها برنامه‌های کوتاه‌مدّت و میان‌مدّت جامعی تنظیم و اجرا شود؛ ان شاءالله.

سه) اقتصاد

اقتصاد: اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدیِ تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوّت و عامل مهمّ سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادّیّات و معنویّات بشر، اثر می‌گذارد. اقتصاد البتّه هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، امّا وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدفها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقلّ کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیّت، و توزیع عدالت‌محور، و مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف، و مناسبات مدیریّتی خردمندانه است و در سال‌های اخیر از سوی اینجانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده، به خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد می‌تواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد.

انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم و وسوسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتّی بی‌اثر خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریّتی است.

مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخش‌هایی از اقتصاد که در حیطه‌ی وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیّت داخلی، استفاده‌ی اندک از ظرفیّت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن، و سرانجام عدم ثبات سیاست‌های اجرائی اقتصاد و عدم رعایت اولویّت‌ها و وجود هزینه‌های زائد و حتّی مسرفانه در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی است. نتیجه‌ی اینها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوان‌ها، فقر درآمدی در طبقه‌ی ضعیف و امثال آن است.

راه حلّ این مشکلات، سیاست های اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه های اجرائی برای همه ی بخش های آن تهیّه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیّت، در دولت ها پیگیری و اقدام شود. درون زایی اقتصاد کشور، مولّد شدن و دانش بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدّیگری نکردن دولت، برون گرایی با استفاده از ظرفیّت هایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخش های مهمّ این راه حل ها است. بی گمان یک مجموعه ی جوان و دانا و مؤمن و مسلّط بر دانسته های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیشِ رو باید میدان فعّالیّت چنین مجموعه ای باشد.

جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه ی راه حل ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علّت تحریم هم مقاومت ضدّ استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه ی گرگ است» خطایی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هرچند گاه از زبان و قلم برخی غفلت زدگان داخلی صادر می شود، امّا منشأ آن، کانون های فکر و توطئه ی خارجی است که با صد زبان به تصمیم سازان و تصمیم گیران و افکار عمومی داخلی القاء می شود.

چهار) عدالت و مبارزه با فساد

عدالت و مبارزه با فساد: این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده ی چرکین کشورها و نظام ها و اگر در بدنه ی حکومت ها عارض شود، زلزله ی ویرانگر و ضربه زننده به مشروعیّت آنها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیّتی فراتر از مشروعیّت های مرسوم و مبنائی تر از مقبولیّت اجتماعی است، بسیار جدّی تر و بنیانی تر از دیگر نظام ها است. وسوسه ی


اقتصاد
رکود
گرانی
بی‌ثباتی ارز
قیمت
تورم
بیکاری
مسکن
تولید

مال و مقام و ریاست، حتّی در عَلَوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام کسانی را لغزاند، پس خطر بُروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه‌ی زهد انقلابی و ساده‌زیستی می‌دادند، هرگز بعید نبوده و نیست؛ و این ایجاب می‌کند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند، بویژه در درون دستگاه‌های حکومتی.

البتّه نسبت فساد در میان کارگزاران حکومت جمهوری اسلامی در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر و بخصوص با رژیم طاغوت که سرتاپا فساد و فسادپرور بود، بسی کمتر است و بحمدالله مأموران این نظام غالباً سلامت خود را نگاه داشته‌اند، ولی حتّی آنچه هست غیر قابل قبول است. همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیّت همه‌ی مقامات حکومت جمهوری اسلامی است. همه باید از شیطانِ حرص برحذر باشند و از لقمه‌ی حرام بگریزند و از خداوند دراین‌باره کمک بخواهند و دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیّت و حسّاسیّت، از تشکیل نطفه‌ی فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند. این مبارزه نیازمند انسانهایی باایمان و جهادگر، و منیع‌الطّبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است. این مبارزه بخش اثرگذاری است از تلاش همه‌جانبه‌ای که نظام جمهوری اسلامی باید در راه استقرار عدالت به کار برد.

عدالت در صدر هدف‌های اوّلیّه‌ی همه‌ی بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه‌ای مقدّس در همه‌ی زمان‌ها و سرزمین‌ها است و به‌صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولیّ‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف میسّر نخواهد شد ولی به‌صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده‌ی همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است. جمهوری اسلامی ایران در این راه گام‌های

بلندی برداشته است که قبلاً بدان اشاره‌ای کوتاه رفت؛ و البتّه در توضیح و تشریح آن باید کارهای بیشتری صورت گیرد و توطئه‌ی واژگونه‌نمایی و لااقل سکوت و پنهان‌سازی که اکنون برنامه‌ی جدّی دشمنان انقلاب است، خنثی گردد.
با این همه، اینجانب به جوانان عزیزی که آینده‌ی کشور، چشم‌انتظار آنها است صریحاً می‌گویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید می‌شده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است. در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به‌طور دائم باید برای رفع محرومیّت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی بشدّت بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه‌تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، امّا تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، بشدّت ممنوع است؛ همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به‌هیچ‌رو مورد قبول نیست. این سخنان در قالب سیاست‌ها و قوانین، بارها تکرار شده است ولی برای اجرای شایسته‌ی آن، چشم امید به شما جوان‌ها است؛ و اگر زمام اداره‌ی بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان -که بحمدالله کم نیستند- سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد؛ ان شاءالله.

پنج) استقلال و آزادی

۵) استقلال و آزادی: استقلال ملّی به معنی آزادی ملّت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان است. و آزادی اجتماعی به‌معنای حقّ تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه‌ی افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله‌ی ارزش‌های اسلامی‌اند و این هر دو عطیّه‌ی الهی به انسانهایند و هیچ کدام تفضّل حکومت‌ها به مردم نیستند. حکومت‌ها موظّف به تأمین این دو اند.

منزلت آزادی و استقلال را کسانی بیشتر می‌دانند که برای آن جنگیده‌اند. ملّت ایران با جهاد چهل ساله‌ی خود از جمله‌ی آنها است.
استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی، دستاورد، بلکه خون‌آوردِ صدها هزار انسان والا و شجاع و فداکار است؛ غالباً جوان، ولی همه در رتبه‌های رفیع انسانیّت. این ثمر شجره‌ی طیّبه‌ی انقلاب را با تأویل و توجیه‌های ساده‌لوحانه و بعضاً مغرضانه، نمی‌توان در خطر قرار داد. همه - مخصوصاً دولت جمهوری اسلامی - موظّف به حراست از آن با همه‌ی وجودند. بدیهی است که «استقلال» نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود، و «آزادی» نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی تعریف شود.

شش) عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن

۶) عزّت ملّی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن: این هر سه، شاخه‌هایی از اصلِ «عزّت، حکمت، و مصلحت» در روابط بین‌المللی‌اند. صحنه‌ی جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقّق یافته یا در آستانه‌ی ظهورند: تحرّک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه.
اینها بخشی از مظاهر عزّت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آمد. سردمداران نظام سلطه نگرانند؛ پیشنهادهای آنها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است. امروز ملّت ایران علاوه بر آمریکای جنایت‌کار، تعدادی از دولت‌های اروپایی را نیز خدعه‌گر و غیر قابل اعتماد میداند.

دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آنها با دقّت حفظ کند؛ از ارزش‌های انقلابی و ملّی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه حال، عزّت کشور و ملّت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البتّه از موضع انقلابی، مشکلات قابل حلّ خود را با آنان حل کند. در مورد آمریکا حلّ هیچ مشکلی متصوّر نیست و مذاکره با آن جز زیان مادّی و معنوی محصولی نخواهد داشت.

هفت) سبک زندگی

۷) سبک زندگی: سخن لازم دراین‌باره بسیار است. آن را به فرصتی دیگر وامیگذارم و به همین جمله اکتفا می‌کنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملّت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه میطلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان‌ها است.

در پایان از حضور سرافرازانه و افتخارانگیز و دشمن‌شکن ملّت عزیز در بیست‌ودوّم بهمن و چهلمین سالگرد انقلاب عظیم اسلامی تشکّر می‌کنم و پیشانی سپاس بر درگاه حضرت حق می‌سایم. سلام بر حضرت بقیّة‌الله عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف؛ سلام بر ارواح طیّبه‌ی شهیدان والامقام و روح مطهّر امام بزرگوار؛ و سلام بر همه‌ی ملّت عزیز ایران و سلام ویژه به جوانان.

دعاگوی شما

سیّدعلی خامنه‌ای

۲۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۷



با توجه به بیانیه گام دوم، هر بخش را کامل کنید!

گذشته انقلاب اسلامی

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

حال انقلاب اسلامی

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

آینده انقلاب اسلامی

نقش جوان متعهد در بیانیه

بخش دوم

طرح راهبردی رهبری
برای نقش‌آفرینی جوانان در گام دوم

بیانات یکم خردادماه ۱۳۹۸

بسم الله الرّحمن الرّحیم
و الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی القاسم المصطفی
محمّد و علی آله الاطیبین الاطهرین المنتجبین سیّما بقیّة الله فی الارضین.

... چند مطلب در ذهن من بوده که بگویم. اینها را در ذیل عنوان «بیانیّه ی گام دوّم» اینجا یادداشت کرده ام که بگویم. نه اینکه بخواهم راجع به بیانیّه صحبت کنم امّا به مناسبت و به بهانه ی نام «بیانیّه ی [گام] دوّم» من این مطالبِ مورد نظرم را می خواهم به شما عرض بکنم.

چهار نقطه اصلی در بیانیه گام دوم

ببینید، «**بیانیّه ی گام دوّم**» **یک ترسیم کلّی از گذشته و حال و آینده ی انقلاب بوده**. خب چهل سال [از انقلاب] گذشته - یک ترسیم کلّی است، وارد جزئیّات نشدیم - یک تصویرسازی کلّی شده راجع به مسائل اصلی انقلاب. چهار نقطه ی به اصطلاح اصلی در این بیانیّه مورد تأکید بوده:

- **نقطه ی اوّل: «عظمت حادثه ی انقلاب»**. خیلی ها به این توجّه نمی کنند، خواستیم به این توجّه بشود، دقّت بشود: حادثه ی انقلاب؛ هم خود پدید آمدن انقلاب در این نقطه ی مشخّص جغرافیایی و در آن برهه ی مهمّ تاریخی، و بعد، ماندگاری انقلاب؛ بنابراین این یک نقطه است: عظمت انقلاب، هم از لحاظ وقوع، هم از لحاظ ماندگاری.

نقطه‌ی دوّم: «**عظمت راه طی‌شده و کارکرد انقلاب تا امروز**»؛ [یعنی] نقطه‌ی مقابل حرف آن کسانی که اصرار دارند بگویند انقلاب نتوانسته کارکردی از خودش نشان بدهد. بنده در این بیانیّه این را - البتّه به طور مجمل و کوتاه - بیان کردم که نخیر، انقلاب کارکرد کاملاً برجسته و ممتاز در زمینه‌های گوناگون داشته؛ هم در زمینه‌ی سیاسی، هم در زمینه‌ی اجتماعی، هم در زمینه‌ی علمی، هم در زمینه‌ی عدالت، هم در زمینه‌ی آزادی. انقلاب در زمینه‌ی همه‌ی خواسته‌های مهمّ بشری و ملّی و بین‌المللی کارکردهای برجسته‌ای داشته. پس نقطه‌ی دوّم، عظمت کارکردهای انقلاب.

نقطه‌ی سوّم که در این بیانیّه مورد نظر است، «**عظمت چشم‌اندازی است که باید به آن برسیم**»؛ اینکه ما به کجا می‌خواهیم برسیم، می‌خواهیم چه کار کنیم، هدف ما کجا است.

و **نقطه‌ی چهارم:** «**عظمت نقش نیروی جوان متعهّد**»؛ **نه هر جوانی**؛ جوانی که احساس تعهّد کند، احساس مسئولیّت کند. عظمت نقش این قشر یعنی **جوان متعهّد** در این مسیری که در پیش رو داریم و در رسیدن به آن چشم‌انداز مورد نظر، این چهار نقطه‌ای است که ما اینجا خواستیم [بیان کنیم]. البتّه من عرض کردم به اجمال؛ در یک بیانیّه نمی‌شود خیلی این چیزها را تفصیل داد - یک کتاب یا دو کتاب باید نوشت - لکن جا برای تفصیل و فکر و مطالعه و تعمیق این حرف‌ها وجود دارد.



تاریخ عکس:
یکم خرداد ۱۳۹۸

حرکت عمومی به سمت چشم انداز

خب، ما به یک حرکت عمومی به سمت آن چشم‌انداز نیاز داریم؛ **باید یک حرکت عمومی در کشور راه بیفتد.**

البتّه این حرکت وجود دارد منتها بایستی **انضباط** پیدا کند، **سرعت** پیدا کند و **پیشرفتش به سمت** آن **چشم‌انداز محسوس** باشد.

این حرکت طبعاً با **محوریّت جوان متعهّد** است؛ جوان‌های متعهّد، محور این حرکتند. جوان هم که می‌گویم، لزوماً مراد من جوان بیست‌ودوساله و بیست‌وپنج ساله نیست؛ البتّه از جوان‌های بیست‌ودوساله و بیست‌وپنج ساله خیلی کار برمی‌آید؛ ... بنده بیست ساله و بیست‌وپنج ساله را [هم می‌گویم]؛ منتها وقتی من می‌گویم جوان، منظورم صرفاً جوان دهه‌ی بیستی نیست؛ نه، سی ساله، سی‌وپنج ساله، چهل ساله، اینها هم جوانند، یعنی اینها هم می‌توانند در همین عرصه نقش‌آفرینی کنند، می‌توانند کار کنند؛ اینها هستند که اگر متعهّد باشند می‌توانند در نظام مدیریّت کشور یک تحوّل عظیمی را به وجود بیاورند.

خب، حالا یک سؤال اینجا مطرح می‌شود و آن، این است که **فرایند ورود جوانان به این حرکت عمومی چیست؟** حالا شما یک جوان متعهّد هستید، می‌خواهید در این حرکت عمومی حضور داشته باشید؛ شیوه‌ی حضور شما چگونه است؟ این، آن مطلبی است که من یادداشت کرده‌ام که به شما عرض بکنم؛ یک توضیحی باید بدهیم.

عناصر اصلی در حرکت عمومی

ببینیـد، درسـت توجّه کنید! یـک حرکـتِ عمومیِ معقـول و منضبط - منضبـط! وقتی می‌گوییم منضبط، یعنی حرکت، غوغاسـالارانه و بَلبشـویی و مانند اینها نباشـد؛ گاهی حرکت‌های عمومی با بلبشو و غوغاسالاری و مانند اینها همراه است؛ آنها ارزشی ندارد- و صحیح و منتظم و عقلائی اگر بخواهد انجام بگیرد، به چند چیز نیاز دارد:

اول: شناخت صحنه

اوّلاً نیاز دارد به اینکه از صحنه یک شناختی وجود داشته باشد؛ یعنی این کسانی که این حرکت را انجام می‌دهند یا محور این حرکتند یا لااقل تحریک‌کننده‌ی این حرکتند، بایستی صحنه را درست بشناسند، عناصر درگیر در این صحنه را بشناسند. امروز شما در کشور خودتان، در جمهوری اسلامی، می‌خواهید یک حرکت انجام بدهید؛ خب باید بدانید جمهوری اسلامی امروز در چه وضعی است، با چه کسی روبه‌رو است، با چه کسی مواجه است، فرصت‌هایش کدام‌ها هستند، تهدیدهایش کدام‌ها هستند، دشمن‌هایش چه کسانی هستند، دوست‌هایش چه کسانی هستند؛ این باید دانسته بشود و شناخته بشود.

دوم: جهت‌گیری مشخص

یک عنصر دیگری که لازم است برای این حرکت، این است که این حرکت باید یک جهت‌گیری مشخّصی داشته باشد؛ یک جهت‌گیری منطقی و قابل قبول، که در حرکت عمومی ملّت ایران که ما داریم پیشـنهاد می‌کنیم و مطرح می‌کنیـم، این جهت‌گیری، جهت‌گیری به سمت جامعه‌ی اسلامی یا تمدّن اسلامی است؛ یعنی می‌خواهیم برویم به سمت تشکیل یک جامعه‌ی اسلامی؛ و حرکت عمومی، ما را باید به اینجا و در نهایت به یک تمدّن پیشرفته‌ی اسلامی برساند. این هم عنصر دوّم.

سوم: عوامل امیدبخش

عنصر سوّمی که [این حرکت] نیاز دارد، این است که یک عامل امیدبخشی باید وجود داشته باشد، یک نقطه‌ی روشنی باید وجود داشته باشد. در هر حرکتی اگر چنانچه این نقطه‌ی روشن، این نقطه‌ی امیدبخش وجود نداشته باشد، حرکت پیش نمی‌رود. این خوشبختانه در کشور ما، برای جامعه‌ی ما، برای مردم ما، کاملاً در دسترس است؛ نقطه‌ی روشن عبارت است **از ظرفیّت‌های ملّی‌ای** که ما اینها را شناخته‌ایم؛ یعنی امروز حتّی شما جوان‌ها ظرفیّت‌های ملّت خودتان را شناخته‌اید. ملّت ایران نشان داده که می‌تواند کارهای بزرگ را بخوبی انجام بدهد، از عهده بربیاید؛ ملّت ایران انقلاب را راه انداخت، تشکیل جمهوری اسلامی را راه انداخت. اینها مثل معجزه است. تشکیل جمهوری اسلامی در دنیای دوقطبیِ کاپیتالیسم و کمونیسم -که آن روز بود- مثل یک معجزه است؛ واقعاً شبیه معجزه‌ی عبور از دریا برای بنی‌اسرائیل یا عصای موسی علیه‌السلام است؛ مثل یک معجزه است. خب ملّت ایران این کار را کردند؛ این یک ظرفیّت خیلی مهمّی است. بعد [هم] توانستند این را نگه دارند. دیگران هم از این کارها همین چند سال قبل از این [کردند]؛ دیدید دیگر؛ بعضی از این کشورهای منطقه‌ی شمال آفریقا و مانند آنها از این کارها کردند، امّا نتوانستند نگه دارند. ملّت ایران توانست نگه دارد. ملّت ایران توانست



در مقابل ابرقدرت های بزرگ دوران سینه سپر کند، آنها را به عقب نشینی وادار کند؛ پس این خودش یک نقطه ی امید است.

پس ما این نقطه ی امید را داریم. البتّه نقاط امید زیاد است؛ یکی اش این است. یکی از نقاط امید، **فرسودگی جبهه ی مقابل** ما است. بنده به طور قاطع می گویم -البتّه یک عدّه ای فوراً بنا می کنند توجیه و تأویل و انکار و مانند اینها، لکن بنده قاطعاً این را می گویم، می توانم این را ثابت هم بکنم که حالا وقتش نیست- امروز تمدّن غربی دچار انحطاط است، یعنی واقعاً در حال زوال است: عَلی شَفا جُرُفٍ هارٍ فَانهارَ بِه؛ فی نارِ جَهَنَّم؛ لب گودال است؛ این جوری است. البتّه حوادث و تحوّلات جوامع بتدریج اتّفاق می افتد؛ یعنی زود احساس نمی شود. حتّی خود اندیشمندان غربی این را احساس کرده اند و بر زبان می آورند و می گویند. این هم یکی از نقاط امید ما است. تمدّن غربی، تمدّن مادّی در مقابل ما قرار دارد و رو به فرسودگی است. این هم یکی از نقاط امیدبخش است.

و بعد هم **وعده ی تخلّف ناپذیر خدا که «اِن تَنصُرُوا اللهَ یَنصُرکُم»**. خب، وَمَن اَصدَقُ مِنَ اللهِ قیلًا؟ چه کسی از خدا راستگوتر است؟ وعده ی چه کسی از خدا درست تر است؟ خدا می گوید: اِن تَنصُرُوا اللهَ یَنصُرکُم؛ اگر شما نصرت کردید خدا را، یعنی به سمت تمدّن اسلام و جامعه ی اسلامی و تحقّق دین خدا پیش رفتید، خدا شما را یاری می کند؛ نقطه ی امید. پس عنصر سوّم هم که وجود نقطه ی امید است، وجود دارد.

چهارم: راهکارهای عملی

عنصر چهارم این است که بالاخره در هر برهه ای راهکارهای عملی لازم است. در هر برهه ای از زمان راهکارهای عملی مورد نیاز است. خب محلّ بحث ما اینجا است. آنچه شما سؤال می کنید -یعنی نسل جوان ممکن است سؤال بکند و یک

سؤال مستتری است- همین است که بالاخره راهکار عملی برای اینکه ما بتوانیم به عنوان یک جوان وارد میدان بشویم چیست.

تبیین این چهار عنصر...

خب این چهار عنصری که گفتیم -همه‌ی اینها- که برای یک حرکت عمومی این چهار عنصر نیاز است، **تبیین اینها نیاز دارد به ذهن فعّال و زبان گویا.**

میدان‌داریِ حلقه‌های میانی

منتها این [مورد] آخری که مسئله‌ی راهکارهای عملی باشد، احتیاج دارد به هدایت، تمرکز، پیگیری، فعّالیّت پی‌درپی و لحظه به‌لحظه برای اینکه بتواند این کاروان عظیم جامعه را و مهم‌تر از همه جوان‌های جامعه را به پیش ببرد. این کارِ چه کسی است؟ این **تمرکز، این ایجاد برنامه‌ی کار، پیدا کردن راهکار، ارائه‌ی راهکار، برنامه‌ریزی، به عهده‌ی چه کسی است؟ این به عهده‌ی جریان‌های حلقه‌های میانی است.** این، نه به عهده‌ی رهبری است، نه به عهده‌ی دولت است، نه به عهده‌ی دستگاه‌های دیگر است؛ [بلکه] به عهده‌ی مجموعه‌هایی از خود ملّت است که خوشبختانه امروز ما این را کم هم نداریم. ما نخبه‌های فکری در زمینه‌های گوناگونِ مورد نیاز در میان جوانان، در میان مسئولین خودمان داریم. اینها می‌توانند بنشینند برنامه‌ریزی کنند و هدایت کنند. تشکّل‌های دانشجویی از این قبیلند، مجموعه‌های باتجربه و فعّال در زمینه‌های فرهنگی و فکری و مانند اینها از این قبیلند و هر که هم در این زمینه‌ها فعّال‌تر باشد، مؤثّرتر است؛ یعنی زمام کار دست کسانی است که فعّالیّت کنند؛ تنبلی و بی‌حالی و کسالت و مانند اینها به درد نمی‌خورد.

نمونه‌های راهکارهای عملی

خب حالا نمونه‌هایی را من اینجا یادداشت کرده‌ام، **نمونه‌هایی از کارهایی که می‌تواند نسل جوان را در نقش و شأنِ محور بودنِ حرکت عمومی جامعه کمک کند و ظرفیّت لازم را به آنها بدهد**. نمونه‌هایی را من اینجا یادداشت کرده‌ام.

۱. یکی **تشکیل کارگروه‌های فرهنگی** است؛ این کاری که الان دارد انجام می‌گیرد؛ این الان وجود دارد. بنده با بسیاری از اینها آشنا هستم، با بعضی، ارتباط هم دارم. کارگروه‌های فرهنگی در سراسر کشور و در مساجد -که در صحبت یکی از دوستان هم اتّفاقاً همین بود- یکی از کارها است. این «آتش به اختیار» که من چندی پیش گفتم، مربوط به این مجموعه است، [یعنی] مجموعه‌های فعّال در زمینه‌های فرهنگی که اینها می‌توانند تأثیرگذاری عمیقی داشته باشند.

از اوّل انقلاب هم همین جور بوده، الان هم همین جور است. الان هر جایی که شما یک گروه جوان را پیدا کنید -جوان متشکّل و بافکر و صاحب ذهن فعّال- که دست به کار فرهنگی می‌زنند مثلاً در یک مسجدی، در یک هیئتِ عزاداری‌ای -همین طور که دوستان بیان کردند- **اینها می‌توانند روی جوان‌ها تأثیر بگذارند، روی محلّه تأثیر بگذارند، روی خویشاوندان تأثیر بگذارند، روی مجموعه‌های دانشجویی تأثیر بگذارند، یک حرکتی، یک عزمی، یک بینش و بینایی‌ای را در یک مجموعه‌ای به وجود بیاورند.**

۲. یک کار دیگر، **تشکیل گروه‌های فعّالیت سیاسی** [است]؛ البتّه منظورم حزب‌بازی نیست. حزب‌بازی کاری است که بنده برکتی در آن احساس نمی‌کنم؛ امّا کار سیاسی فقط حزب‌بازی نیست؛ نشستن، تحلیل سیاسی کردن، حوادث سیاسی را شناختن، فهمیدن، منتقل کردن، **یکی از آن کارهای بسیار اساسی است که حرکت عمومی جامعه را تسریع می‌کند، شکل می‌دهد و کمک می‌کند**؛ یکی از کارها این است.

۳. تشکیل میزگردها و کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه‌ها که بنده مکرّر این را تکرار کرده‌ام و تأکید کرده‌ام و توصیه کرده‌ام؛ و خب خیلی پیشرفتی نداشته. چه کسی باید این را بکند؟ [اگر] منتظر باشید که رئیس دانشکده یا معاون فرهنگی یا مانند اینها بکنند، فایده‌ای ندارد؛ خودتان باید بکنید. در دانشگاه‌ها کرسی‌های آزاداندیشی را باید تشکیل بدهید؛ منتها همین طور که گفتم **همه‌ی این حرکت‌ها باید منضبط باشد؛ با انضباط، با پیش‌بینی، با مطالعه‌ی خوب از سوی افرادی که صاحب ذهن فعّال و زبان گویا هستند راه [بیفتد]؛ اینها حتماً کمک می‌کند، تأثیر می‌گذارد.**

الان مجموعه‌ی دانشجویانی که همراه با تشکّلها هستند، درصد بالایی از دانشجوهای کشور نیست. اگر چنانچه شما این کارها را بکنید، این درصد قطعاً رشد خواهد کرد. خب دانشجویی که متعهّد نباشد یا سرگرم کارهای بی‌ربط باشد، در پیشرفت کشور هیچ تأثیر مثبتی نمی‌گذارد اگر تأثیر منفی نگذارد. شما می‌توانید تأثیرگذاری کنید با همین [کار]. یک فصل هم این؛ یعنی یکی از راهکارهایی که ذکر می‌شود همین است.

۴. یک راهکار دیگر **تشکیل گروه‌های نهضتی** در ارتباط با مسائل بین‌الملل و مسائل جهان [است]. همین طور که اشاره کردم بعضی از مجموعه‌ها این کارها را کرده‌اند. فرض کنید دعوت کردند از دانشجوهای فعّال کشورهای مقاومت که در تهران یا در بعضی شهرستان‌های دیگر آمدند، جمع شدند، جلسات خوبی هم بوده، به ما هم خبرش رسید و از این قبیل کارها می‌شود کرد؛ یعنی فعّال شدن در زمینه‌ی مسائل جهان اسلام.

گروه‌هایی تشکیل بشوند و این کارها را دنبال بکنند: مسائل غزّه، مسائل فلسطین، مسئله‌ی یمن، مسئله‌ی بحرین، مسائل مربوط به مسلمان‌های میانمار، مسائل

مربوط به مسلمان‌های اروپا - یکی از مسائل قابل بحث ما در محیط های فعّال دانشجویی مسلمان‌های اروپایند که خب داستانی است - مسئله‌ی حوادثی که در بعضی از کشورها [پیش آمده]؛ مثلاً حوادث پاریس قابل بررسی است، قابل مطالعه است، قابل فعّال شدن است، یعنی در رابطه‌ی با این حوادث و حوادث منطقه یک مجموعه‌ی دانشجویی می‌تواند فعّال بشود؛ این هم یکی از راهکارها است.

۵. یک راهکار دیگر **تشکیل گروه‌های علمی و همکاری با مراکز علمی** [است].

۶. یک راهکار دیگر **همکاری با شرکت‌های دانش‌بنیان و کار اقتصادی** [است].

۷. یک راهکار بسیار مهم دیگر **کارهای خدماتی** [است؛ یعنی] **همین کارهای گروه‌های جهادی** که می‌روند به این مناطق مختلف که یکی از بهترین کارهای دانشجویی است؛ **هر چه اینها توسعه پیدا کند و تقویت بشود و جهت دارتر و هدف دارتر بشود بهتر است؛ اینها تقویت جسم و روح و ایجاد آن حرکت عمومی است.**

۸. فعّالیّت‌های اطلاعاتی مردمی. خیلی از کارهایی که دستگاه‌های اطّلاعاتی ما یا نمی‌توانند انجام بدهند یا به دلایل مختلفی لابه‌لای کارها می‌ماند، گاهی به وسیله‌ی عناصر هوشیار و آگاه اطّلاع‌رسانی می‌شود و تأثیر داشته. به خود ما گاهی اطّلاع‌رسانی شده، تأثیر کرده و دنبال شده و کارهای مثبتی انجام گرفته. فرض کنید [اطّلاع‌رسانیِ] یک سوء استفاده در زمینه‌ی قاچاق، در زمینه‌ی واردات گوناگون؛ مثل همین‌هایی که حالا یکی از دوستان اینجا اسم آوردند، خوراک سگ و امثال اینها؛ مجموعه‌هایی می‌توانند در این زمینه‌ها فعّال باشند.

۹. کارهای اجتماعی. ببینید، الان در این فهرستی که من گفتم تا حالا هفت هشت تا، ده دوازده تا راهکار شده؛ از این قبیل پنجاه تا راهکار می‌شود پیدا کرد. فعّالیّت‌های اجتماعی، مثل همین کارهایی که گفتم در زمینه‌ی هفت‌تپّه و مانند اینها که



بچّه‌های دانشجو انجام دادند، کارهای بسیار خوبی است.

جهت‌گیری فراموش نشود!

کارگروه‌هایی که ممکن است به هم مرتبط هم نباشند امّا بایستی هدایت بشوند، باید برنامه‌ریزی بشود. همه‌ی این کارها باید به وسیله‌ی جوان‌ها برنامه‌ریزی بشود. البتّه همه‌ی اینها هم بایستی با الهام‌گیری از آن جهت‌گیری کلّی که عرض کردم [یعنی] در جهتِ رسیدن به جامعه‌ی اسلامی و تمدّن اسلامی است. در همه‌ی این کارها، آن برنامه‌ریزان، آن مراکز برنامه‌ریزی و هدایت -که گفتیم حلقه‌های میانی باید آن را انجام بدهند- باید به آن جهت‌گیری توجّه داشته باشند.

سرانجام این فعالیت‌ها...

نتیجه‌ی اینها چه می‌شود؟ اینجا من این جور یادداشت کرده‌ام که سرانجام [اینها]، **کشاندن نسل جوان متعهّد به عرصه‌ی مدیریّت کشور** [است]، که یکی از دوستان گِله می‌کردند که جوان‌ها را به عرصه‌ی مدیریّت راه نمی‌دهند. خب چه جوری وارد عرصه‌ی مدیریّت میشوند؟ ورود در عرصه‌ی مدیریّت برای نسل جوان از این راه‌ها اتّفاق می‌افتد و طبعاً اگر نسل جوان وارد عرصه‌ی مدیریّت شد، و مدیران ارشد نظام از جمله‌ی جوان‌های متعهّد [شدند] -که من گفتم **جوان‌های متعهّد حزب‌اللهی**، **یعنی واقعاً باید حزب‌اللهی باشند؛ به معنای درست کلمه‌ی حزب‌اللهی**- آن وقت آن **حرکت عمومی** کشور طبعاً **استمرار** پیدا می‌کند، **سرعت** پیدا می‌کند و **انجام** می‌گیرد. پس بنابراین این سؤال که جوان چگونه می‌تواند وارد میدان این حرکت عمومی بشود، به نظر من پاسخهای روشنی دارد که من یک مقداری از آنها را گفتم.

منافاتی با کارهای اصلی ندارد

البتّه این تحرّکات نباید به کار علمیِ مجموعه‌ی دانشجوی جوان لطمه بزند؛ با هم منافات هم ندارد. یعنی اینکه شما بگویید «راهبرد بلندمدّت نظام، پیشرفت علمی و شکستن خطوط کنونی علم و رفتن به جلو است» درست است. ما قلّه‌ی علم را بلاشک باید فتح کنیم، [امّا] این کارها باید مانع آن نشود؛ منافات هم ندارد، می‌توان همین کار را کرد و می‌توان حرکت علمی هم کرد؛ می‌توان در رشته‌های مختلف، دانشجوی برجسته‌ی صاحب رتبه‌های بالا بود و در عین حال در گروه جهادی حضور داشت، در هیئت دانشجویی حضور داشت، در مجموعه‌های خدماتی حضور داشت، در کار نشریّاتی حضور داشت.

یک نکته راجع به نشریات دانشجویی

یک چیزی اینجا یکی از دوستان راجع به نشریّات گفتند. اعتقاد من این است که این کسانی که در نشریّات دانشجویی قلم می‌زنند و کار می‌کنند، بایستی مجموعه‌هایی را تشکیل بدهند برای استمرار حرکتشان برای بعد از دوره‌ی دانشجویی. همان طور که اشاره کردند درست است؛ همین‌هایی که الان در نشریّات قلم می‌زنند یک روزی دانشجو بودند، لکن همه‌ی آن کسانی که در دوره‌ی دانشجویی اهل این کار بودند، وارد جریان قلم‌زنی در نشریّات و اداره‌ی نشریّات و مطبوعات و مانند اینها نشدند. به نظر من می‌توانند در این زمینه [هم کار کنند.] اینجا یادداشت کرده‌ام: «ایجاد شبکه‌ای از نویسندگانِ دانشجوی فعّالِ در نشریّاتِ دانشجویی، برای تداوم فعّالیّت‌ها در حوزه‌ی نشر.»

مثل مبارزات مبارزین زمان طاغوت!

یک چیـزی بنده در مـورد دانشـجوها در دو کلمه عرض بکنـم. آنچه مـا از بچّه‌های دانشـجو، از شـما جوان‌های عزیز که من خیلی به شـماها واقعـاً علاقه‌مندم، انتظار داریم این است که شماها **باید خودجوش باشید، باید خودکار باشید، باید منتظر این نباشـید که شـما را به کار وادار کننـد**؛ بخصوص جوان‌هایی کـه مثلاً مربوط به تشکّل‌های گوناگون دانشجویی هستند. **باید خودکار حرکت کنید، باید بچّه‌هایی کـه اهل اندیشـه هسـتند؛ بعضی‌ها هسـتند در اندیشـه‌ورزی پیشـرو هسـتند، بعضی‌هـا در حرکت‌هـای اجرائی پیشـرو هسـتند؛ هـر کـدام در هر قسـمتی که توانایی‌اش را دارید بایسـتی خودجوش و خودکار باشید؛ مثل مبارزات مبارزین زمان طاغوت.**

خب، اگر باور می‌کنید ما هم یک وقتی هم‌سنّ شما بودیم، یک زمانی در همین دوره [بودیم]. اتّفاقاً در این سنین دوران مبارزات بود. واقعاً آن روز ما‌ها خودجوش حرکت می‌کردیم. نمی‌خواهم حالا من راجع به خودمان حرف بزنم امّا یک واقعیّتی است. آن روز - در آن سال‌های مبارزه - کسی بالای سر ما نبود؛ نه حزبی بود، نه سازمانی بود، نه جمعیّتی بود؛ [تنها] امام بزرگوار بود [آن هم] در نجف یا در ترکیه. گاهی اوقات یک پیامی از امام می‌آمد، یک اعلامیّه‌ای می‌آمد، خونی در رگ‌های ما به جریان می‌انداخت و ما را هدایت می‌کرد.

خـب **موانع هم زیـاد بود؛ هم کتک بـود، هم زندان بـود، هم موانع پولـی بود، هم گرسـنگی کشـیدن بود، از این چیزهـا هم بود امّـا در عین حال حرکـت می‌کردیم، پیش می‌رفتیم. جوان‌ها امروز باید این جوری حرکت کنند؛ مثل مبارزات مبارزین دوران طاغوت.**



راه خنثی کردن توطئه‌ها

و اگر از این قبیل کارها که من گفتم و این فهرست‌ها انجام بگیرد، توطئه‌های دشمن خنثی می‌شود؛ **آن توطئه‌های نرمی که همه از آن حرف می‌زنند و می‌گویند** - که در درجه‌ی اوّل، فلج کردن نسل جوان است [یعنی] **یکی از مهم‌ترین توطئه‌هایی که امروز علیه کشور ما و انقلاب ما دارد انجام می‌گیرد، توطئه‌ی فلج کردن نسل جوان است و سرگرم کردنش به شهوات، سرگرم کردنش به کارهای بیهوده، [مثل] بازی‌های کامپیوتری و کارهای گوناگونی که وجود دارد، مبتلا کردنش به موادّ مخدّر و کارهای گوناگون از این قبیل؛ اینها فلج کردن نسل جوان است** - با این شیوه‌ای که من عرض کردم، **خنثی می‌شود. توطئه‌ی نومید کردن نسل جوان با همین حرکت‌ها که نشاط‌آفرین و امیدآفرین است، از بین می‌رود.**

دولت پیر دگرباره جوان خواهد شد!

بنابراین، اگر چنانچه ان‌شاءالله شما جوان‌ها با این حرکت‌ها پیش بروید و زمینه را برای روی کار آوردن یک دولت جوان و حزب‌اللهی آماده کنید، بنده معتقدم که بسیاری از این نگرانی‌های شما و دغدغه‌های شما و غصّه‌های شما پایان خواهد پذیرفت؛ این غصّه‌ها هم البتّه فقط مخصوص شماها نیست.



همه چیز امیدبخش است...

آخرین **نکته که خیلی نکته‌ی مهمّی هم هست** این است: یک چیزهایی ممکن است شما مشاهده کنید که برای شما ناپسند باشد؛ فرض کنید گرایش سیاسی فلان شخصیّت یا اِشکال در کار فلان مسئول در فلان قوّه برای شما ناخوشایند است. **اگر صد مورد از این حوادث را هم مشاهده می‌کنید، ناامید نشوید؛ این آن توصیه‌ی قطعی و اصلی من است. ناامید نشوید!** همه چیز امیدبخش است برای ما، همه چیز نویددهنده است برای ما. همان طور که اشاره کردم، ما یک ملّتی هستیم که عوامل مژده‌دهنده در پیرامون ما و در درون ما بمراتب بیشتر است از عوامل مأیوس‌کننده و ناامیدکننده. این عوامل مژده‌دهنده را ببینید، پیدا کنید، به آنها دلگرم بشوید، به خدای متعال توکّل کنید، قصدتان را و نیّتتان را خالص کنید و بدانید که خدای متعال شما را کمک خواهد کرد و مدد خواهد کرد. **ان‌شاءالله همه‌ی شماها زوال دشمنان بشریّت، یعنی همین تمدّنِ آمریکاییِ منحط و زوال اسرائیل را به لطف الهی خواهید دید.**

والسّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته



یادداشت

یادداشت

دیگر محصولات



قیام جوانان

در گام دوم انقلاب اسلامی



ایمان و حرکت

خلاصه کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن



یک سه

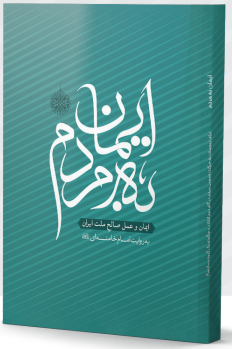
۵ گام اجرایی عملیات ظرفیت سازی جبهه میلیونی مردمی



مبارزه تمدنی

تقابل گفتمانی با نظام سلطه بر اساس روایت امام خامنه ای ﷺ

دیگر محصولات



ایمان به مردم

ایمان و عمل صالح ملت ایران به روایت امام خامنه ای ﷺ



الگوی سوم

مبارزه تمدنی با نظام سلطه در مسئله زن بر اساس روایت امام خامنه ای ﷺ

برای دریافت محصولات مرتبط با «حرکت عمومی» شامل کتب، آموزش‌ها، سامانه‌ها و ...

به سایت harekat.net مراجعه کرده یا بارکد زیر را اسکن کنید.

ارتباط با ما

راه‌های ارتباطی:

«سایت حرکت» و «پیام‌رسان ایتا» به شماره

۰۹۹۰۱۲۲۰۱۱۷

یا شناسه

@Neshast_Bayyenat

کانال بینات در ایتا:
eitaa.com/neshastebayenat

کانال بینات در آپارات:
aparat.com/NeshasteBayenat